

الله
البراهيم
بن



باسمه

.....

تعالی

تاییدیه اعضای هیات داوران حاضر در جلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد

کتاب: *سبأ و سبأ*

اعضای هیات داوران نسخه نهایی پایان نامه / آقای *محمد الهی* تحت عنوان: *بررسی و تحلیل تأثیر سبأ در سبأ*

را از نظر فرم و محتوی بررسی نموده و

پذیرش آنرا برای تکمیل درجه کارشناسی ارشد تأیید می کنند.

| اعضای هیات داوران | نام و نام خانوادگی | رتبه علمی | امضاء |
|---------------------------------|---------------------|-----------|-----------------------|
| 1- استاد راهنما | دکتر رضا اکبریان | دانشیار | <i>اکبریان</i> |
| 2- استاد مشاور | دکتر محمد سعیدی مهر | دانشیار | <i>محمد سعیدی مهر</i> |
| 3- استاد ناظر (داخلی) | دکتر عین الله جادی | دانشیار | |
| 4- استاد ناظر (خارجی) | دکتر حسین هوشی | استادیار | <i>حسین هوشی</i> |
| 5- نماینده شورای تحصیلات تکمیلی | دکتر محمد سعیدی مهر | دانشیار | <i>محمد سعیدی مهر</i> |

این نامه حق مالکیت مادی و معنوی در مورد نتایج پژوهشهای علمی دانشگاه تربیت مدرس

مقدمه: با عنایت به سیاست‌های پژوهشی و فناوری دانشگاه در راستای تحقق عدالت و کرامت انسانها که لازمه شکوفایی علمی و فنی است و رعایت حقوق مادی و معنوی دانشگاه و پژوهشگران، لازم است اعضای هیأت علمی، دانشجویان، دانش‌آموختگان و دیگر همکاران طرح، در مورد نتایج پژوهشهای علمی که تحت عناوین پایان‌نامه، رساله و طرحهای تحقیقاتی با هماهنگی دانشگاه انجام شده است، موارد زیر را رعایت نمایند:

ماده ۱- حق نشر و تکثیر پایان‌نامه/ رساله و درآمدهای حاصل از آنها متعلق به دانشگاه می باشد ولی حقوق معنوی پدید آورندگان محفوظ خواهد بود.

ماده ۲- انتشار مقاله یا مقالات مستخرج از پایان‌نامه/ رساله به صورت چاپ در نشریات علمی و یا ارائه در مجامع علمی باید به نام دانشگاه بوده و با تایید استاد راهنمای اصلی، یکی از اساتید راهنما، مشاور و یا دانشجو مسئول مکاتبات مقاله باشد. ولی مسئولیت علمی مقاله مستخرج از پایان‌نامه و رساله به عهده اساتید راهنما و دانشجو می باشد.

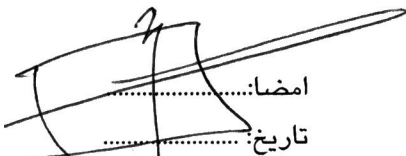
تبصره: در مقالاتی که پس از دانش‌آموختگی بصورت ترکیبی از اطلاعات جدید و نتایج حاصل از پایان‌نامه/ رساله نیز منتشر می‌شود نیز باید نام دانشگاه درج شود.

ماده ۳- انتشار کتاب، نرم افزار و یا آثار ویژه (اثری هنری مانند فیلم، عکس، نقاشی و نمایشنامه) حاصل از نتایج پایان‌نامه/ رساله و تمامی طرحهای تحقیقاتی کلیه واحدهای دانشگاه اعم از دانشکده ها، مراکز تحقیقاتی، پژوهشکده ها، پارک علم و فناوری و دیگر واحدها باید با مجوز کتبی صادره از معاونت پژوهشی دانشگاه و براساس آئین نامه های مصوب انجام شود.

ماده ۴- ثبت اختراع و تدوین دانش فنی و یا ارائه یافته ها در جشنواره‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی که حاصل نتایج مستخرج از پایان‌نامه/ رساله و تمامی طرحهای تحقیقاتی دانشگاه باید با هماهنگی استاد راهنما یا مجری طرح از طریق معاونت پژوهشی دانشگاه انجام گیرد.

ماده ۵- این آیین‌نامه در ۵ ماده و یک تبصره در تاریخ ۸/۴/۸۷ در شورای پژوهشی و در تاریخ ۲۳/۴/۸۷ در هیأت رئیسه دانشگاه به تایید رسید و در جلسه مورخ ۱۵/۷/۸۷ شورای دانشگاه به تصویب رسیده و از تاریخ تصویب در شورای دانشگاه لازم‌الاجرا است.

اینجانب.....حجت‌الاسلام مرزبان..... دانشجوی رشته علوم اسلامی..... ورودی سال تحصیلی ۱۳۸۵-۸۶..... مقطع کارشناسی ارشد..... دانشکده علوم اسلامی..... متعهد می شوم کلیه نکات مندرج در آئین نامه حق مالکیت مادی و معنوی در مورد نتایج پژوهش های علمی دانشگاه تربیت مدرس را در انتشار یافته های علمی مستخرج از پایان نامه / رساله تحصیلی خود رعایت نمایم. در صورت تخلف از مفاد آئین نامه فوق الاشعار به دانشگاه وکالت و نمایندگی می دهم که از طرف اینجانب نسبت به لغو امتیاز اختراع بنام بنده و یا هر گونه امتیاز دیگر و تغییر آن به نام دانشگاه اقدام نماید. ضمناً نسبت به جبران فوری ضرر و زیان حاصله بر اساس برآورد دانشگاه اقدام خواهم نمود و بدینوسیله حق هر گونه اعتراض را از خود سلب نمودم»

امضا: 
تاریخ:

آیین نامه چاپ پایان نامه (رساله) های دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس

نظر به اینکه چاپ و انتشار پایان نامه (رساله) های تحصیلی دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس، مبین بخشی از پژوهشی دانشگاه است بنابراین به منظور آگاهی و رعایت حقوق دانشگاه، دانش آموختگان این دانشگاه نسبت به متعهد می شوند:

ماده 1: در صورت اقدام به چاپ پایان نامه (رساله) ی خود، مراتب را قبلاً به طور کتبی به «دفتر نشر آثار علم دهد.

ماده 2: در صفحه سوم کتاب (پس از برگ شناسنامه) عبارت ذیل را چاپ کند:
«کتاب حاضر، حاصل پایان نامه کارشناسی ارشد/ رساله دکتری نگارنده در رشته فلسف و علوم اسلامی است که در دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس به راهنمایی سرکار محترم/جنابا، رضا کبریان، مشاوره سرکار محترم/جناب آقای دکتر محمد مهدی مصلح و مشاوره سرکار خانم از آن دفاع شده است.»

ماده 3: به منظور جبران بخشی از هزینه های انتشارات دانشگاه، تعداد یک درصد شمارگان کتاب (در هر نوبت نشر آثار علمی) دانشگاه اهدا کند. دانشگاه می تواند مازاد نیاز خود را به نفع مرکز نشر در معرض فروش قرار دهد.
ماده 4: در صورت عدم رعایت ماده 3، 50٪ بهای شمارگان چاپ شده را به عنوان خسارت به دانشگاه تربیت مدرس،
ماده 5: دانشجو تعهد و قبول می کند در صورت خودداری از پرداخت بهای خسارت، دانشگاه می تواند خسارت مراجع قضایی مطالبه و وصول کند؛ به علاوه به دانشگاه حق می دهد به منظور استیفای حقوق خود، از طریق مذکور در ماده 4 را از محل توقیف کتابهای عرضه شده نگارنده برای فروش، تامین نماید.

ماده 6: اینجانب حجت اله مرزانی دانشجوی رشته فلسف و علوم اسلامی مقطع کارشناسی ارشد تعهد فوق و ضمانت اجرایی آن را قبول کرده، به آن ملتزم می شوم.

نام و نام خانوادگی: حجت اله مرزانی
تاریخ و امضا: ۹۲۷



دانشکده‌ی علوم انسانی

پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد فلسفه اسلامی

بررسی و تحلیل قاعده سنخیت علّت و معلول، گستره و نتایج آن در فلسفه و کلام اسلامی

حجت اله مرزانی

استاد راهنما:

دکتر رضا اکبریان

استاد مشاور:

دکتر محمد سعیدی مهر

خرداد ۱۳۸۹

تقدیم:

به آستان مقدس امام هشتم حضرت علی بن موسی الرضا(ع) که بارگاهش مأمن صفا و آرامش است. بواسطه حضور درکنار مزار پربرکت او بود که توانستم این پژوهش را به ثمر برسانم. امید که مورد رضای آن حضرت قرار گیرد.

تقدیر و تشکر:

بدین وسیله بر خود لازم میدانم تا از زحمات همه کسانی که در مراحل مختلف زندگی شرایط رشد و تعالی علمی و عملی مرا فراهم کردند سپاسگزاری کنم. نخست از پدر و مادرم و خانواده‌ام تشکر می‌کنم که همواره مشوق من بوده‌اند. در مرحله بعد از همه معلمان و اساتید گرامی‌ام سپاسگزارم، به خصوص از زحمات استاد راهنمایم جناب آقای دکتر رضا اکبریان و استاد مشاورم جناب آقای دکتر محمد سعیدی مهر کمال تشکر را دارم که ارشادات این دو عزیز بیشترین سهم را در تکوین این پژوهش داشته‌اند. همچنین از مسولین محترم کتابخانه آستان قدس رضوی و بویژه بخش تالار محققان صمیمانه سپاسگزارم که محیط بی‌نظیری را برای تحقیق و پژوهش فراهم کرده‌اند. در آخر نیز از همه دوستان بزرگوام که در انجام این تحقیق یاریگر من بودند تشکر می‌کنم و برای همه ایشان آرزوی سعادت و نیک بختی دارم.

چکیده

اصل علیّت که بر اساس آن شاهد وابستگی و ارتباط واقعی میان اشیاء و موجودات عالم هستی می‌باشیم دارای فروع چندی است. در بعد ایجابی یکی از این فروع قاعده‌سنخیت علّت و معلول است. اصل سنخیت بیانگر آن است که ارتباط میان علّت و معلول یک ارتباط خاص و واقعی است. هر علّتی به واسطه خصوصیت و جهت وجودی که داراست موجب وجود معلولی خاص می‌گردد. بر این اساس هر علّت، علّت شیء خاصی است و هر معلول نیز به علّت خاص‌اش تعلق دارد و لذا چنین نیست که در جهان هر چیزی به هر چیز دیگر تعلق و وابستگی داشته‌باشد. در فلسفه اسلامی فیلسوفان معتقد به حکمت متعالیه بیش از دیگران به قاعده‌سنخیت پرداخته و در باب آن به نظریه‌پردازی پرداخته‌اند. در حکمت متعالیه با توجه به مبانی خاص آن از جمله اصالت وجود و تشکیک وجود تفسیرنویسی از علیّت و فروع آن ارائه‌شد. در مسئله مورد بحث ما- سنخیت علت و معلول - نیز تفسیر جدیدی مطرح‌گشت. اصل سنخیت در حکمت متعالیه چنین تفسیر می‌شود که آن خصوصیتی که در وجود علّت است و موجب صدور معلول خاصی می‌گردد عبارت‌است از وجود اعلی و اتم معلول که در مرتبه وجود علت تحقق‌دارد به عبارت دیگر وجود معلول همچون مرتبه نازله و عکس و ترشح وجود علتش می‌باشد. مهم‌ترین مخالفان قاعده سنخیت علت و معلول متکلمان هستند. ایشان بر اساس آیات و روایاتی که دال بر مابینت خالق و مخلوق است به نقد قاعده سنخیت اقدام کرده‌اند اما فیلسوفان و بطور خاص حکیمان معتقد به حکمت متعالیه در عین اعتقاد به تباین خالق و مخلوق آن را متعارض با اصل سنخیت ندانسته و از هر دو مسئله دفاع کرده‌اند.

کلید واژه‌ها: اصل علیّت، سنخیت علت و معلول، اصالت وجود، تشکیک وجود، وجود رابط و مستقل، تباین

خالق و مخلوق

| | |
|----|--------------------------------|
| ۱ | فصل ۱- مقدمه و کلیات |
| ۲ | ۱-۱- مقدمه |
| ۴ | ۱-۱-۱- تعریف علت |
| ۴ | ۱-۱-۲- اقسام علت |
| ۴ | ۱-۲-۱- علت تامه و علت ناقصه |
| ۴ | ۱-۲-۲- علت واحد و علت کثیر |
| ۵ | ۱-۲-۳- علت بسیط و علت مرکب |
| ۵ | ۱-۲-۴- علت قریب و علت بعید |
| ۵ | ۱-۲-۵- علت حقیقی و علت معد |
| ۵ | ۱-۲-۶- علت داخلی و علت خارجی |
| ۷ | ۱-۲-۷- فاعل الهی و فاعل تحریکی |
| ۷ | ۲-۱- طرح مسئله |
| ۸ | ۳-۱- پرسشهای تحقیق |
| ۹ | ۴-۱- فرضیه ها |
| ۱۰ | ۵-۱- پیشینه‌ی تحقیق |
| ۱۱ | ۶-۱- فصل‌بندی پایان نامه |

فصل ۲- چستی سنخیت ۱۳

- ۱-۲- معنای لغوی سنخیت ۱۴
- ۲-۲- معنای اصطلاحی سنخیت ۱۴
- ۳-۲- ریشه‌های بحث سنخیت علت و معلول در فلسفه یونان ۱۴
- ۴-۲- چستی سنخیت علت و معلول در فلسفه اسلامی ۱۶
- ۵-۲- جمع‌بندی بحث چستی سنخیت علت و معلول ۳۱

فصل ۳- گستره سنخیت علت و معلول و تبیین آن در فلسفه اسلامی. ۳۳

- ۱-۳- مقدمه فصل سوم ۳۴
- ۲-۳- گستره سنخیت علت و معلول ۳۴
- ۳-۳- اثبات سنخیت میان علت و معلول و تبیین آن در فلسفه اسلامی ۳۷
- ۴-۳- سنخیت علت و معلول در فلسفه مشاء ۳۹
- ۱-۴-۳- علیت در فلسفه مشاء ۳۹
- ۱-۱-۴-۳- نظریه‌ی علیت در فلسفه ارسطو ۳۹
- ۲-۱-۴-۳- کندی و تمایز میان فاعل حقیقی و فاعل مجازی ۴۰
- ۳-۱-۴-۳- فارابی و تبیین نظریه‌ی علیت براساس تمایز فلسفی وجود و ماهیت ۴۱
- ۴-۱-۴-۳- ابن‌سینا و تدوین نظریه‌ی کامل و منسجم علیت ۴۱
- ۲-۴-۳- تبیین سنخیت علت و معلول در فلسفه مشاء ۴۹
- ۳-۴-۳- تحلیل علیت بر مبنای سنخیت در فلسفه مشاء ۶۳
- ۵-۳- سنخیت علت و معلول در فلسفه اشراق ۶۶

- ۶۶.....۳-۵-۱- علیت در فلسفه اشراق
- ۶۷.....۳-۵-۱-۱- ابتکارات سهروردی در بحث علیت
- ۷۳.....۳-۵-۲- تبیین سنخیت علت و معلول در فلسفه اشراق
- ۷۶.....۳-۵-۳- تحلیل علیت بر مبنای سنخیت در فلسفه اشراق
- ۷۸.....۳-۶- سنخیت علت و معلول در حکمت متعالیه
- ۷۸.....۳-۶-۱- علیت در حکمت متعالیه
- ۸۳.....۳-۶-۲- تبیین سنخیت علت و معلول در حکمت متعالیه
- ۸۷.....۳-۶-۳- تحلیل علیت بر مبنای سنخیت در حکمت متعالیه
- ۹۱.....۳-۷- جمع بندی مطالب فصل سوم

فصل ۴- مخالفان سنخیت علت و معلول ۹۲

- ۹۳.....۴-۱- مقدمه
- ۹۳.....۴-۲- مخالفان قاعده سنخیت علت و معلول در فلسفه یونان
- ۹۴.....۴-۳- مخالفان قاعده سنخیت علت و معلول در فرهنگ اسلامی
- ۹۵.....۴-۳-۱- متکلمان اشعری
- ۹۵.....۴-۳-۱-۱- غزالی و مخالفت با قاعده سنخیت علت و معلول
- ۱۰۶.....۴-۳-۱-۱-۱- نقد دیدگاه غزالی درباره سنخیت علت و معلول
- ۱۱۰.....۴-۳-۱-۲- مخالفت فخررازی با قاعده سنخیت و نقد دیدگاه او
- ۱۱۱.....۴-۳-۱-۳- نقد قوشجی بر قاعده سنخیت و پاسخ به او
- ۱۱۳.....۴-۳-۱-۴- نقد جرجانی بر قاعده سنخیت و پاسخ به او

- ۱۱۴-۳-۱-۵- جمع بندی دیدگاه متکلمان اشعری درباره قاعده سنخیت.....
- ۱۱۶-۳-۲- مکتب ملارجبعلی تبریزی و نقد سنخیت صدرائی.....
- ۱۲۲-۳-۳- مکتب شیخیه و مخالفت شان با سنخیت صدرائی.....
- ۱۲۴-۳-۱- بررسی و نقد دیدگاه شیخیه درباره قاعده سنخیت.....
- ۱۲۵-۳-۴- مکتب اصولیین نجف.....
- ۱۲۸-۳-۱- نقد دیدگاه مرحوم خوبی درباره قاعده سنخیت.....
- ۱۲۹-۳-۲- نقد دیدگاه شهیدصدر درباره قاعده سنخیت.....
- ۱۳۱-۳-۵- اهل تفکیک و مخالفت شان با قاعده سنخیت.....
- ۱۳۷-۳-۱- نقد دیدگاه اهل تفکیک درباره قاعده سنخیت.....
- ۱۴۰-۳-۶- نقد قاعده سنخیت بر مبنای دستاوردهای فیزیک جدید.....
- ۱۴۳-۳-۱- نقد دستاوردهای فیزیک جدید درباره قاعده سنخیت.....
- ۱۴۴-۴- جمع بندی مطالب فصل چهارم.....

فصل ۵- نتایج قاعده سنخیت علت و معلول ۱۴۶

- ۱۴۷-۵-۱- قاعده الواحد.....
- ۱۴۹-۵-۲- امتناع توارد علل متعدد بر معلول واحد.....
- ۱۵۰-۵-۳- صحت قاعده الواحد لایصدر الا عن الواحد در محور واحد نوعی.....
- ۱۵۰-۵-۴- داشتن جهات کثیر فاعل امور متعدد.....
- ۱۵۱-۵-۵- اصالت وجود.....
- ۱۵۲-۵-۶- قاعده بسیط الحقیقه.....

۷-۵- علم واجب الوجود به موجودات قبل از ایجاد..... ۱۵۳

۸-۵- صحت قانون کلی تجربی ۱۵۳

۹-۵- رابطه قاعده سنخیت با اصل علیت و ضرورت علی و معلولی ۱۵۴

فصل ۶- نتایج و پیشنهادها ۱۵۶

۱-۶- نتایج تحقیق ۱۵۷

۲-۶- پیشنهادات تحقیق ۱۵۸

منابع و مأخذ ۱۶۰

چکیده ی انگلیسی: ۱۶۷

فصل اوّل:

مقدمه و کلیات

در میان مسائل فلسفی دو مسئله علیّت و وحدت و کثرت بنیادی‌ترین و قدیمی‌ترین مسائل فلسفه را تشکیل می‌دهند. توجّه متفکران به اصل علیّت به عنوان قاعده و راهنمای شناخت کتاب طبیعت را در دیرینه‌ترین اندیشه‌های فلسفی می‌توان پی‌گیری نمود چنان که وقتی به تاریخ مکتوب فلسفه و اندیشه‌های فلسفی می‌نگریم مشاهده می‌کنیم که موضوع علیّت مورد توجّه نخستین فیلسوفان یونان بوده است. فیلسوفان پیش از سقراط نظیر تالس، امپدوکلس، آناکسیمنس و هراکلیتوس و دیگران به مسئله علیّت و به ویژه علّت مادی توجّه داشته و آن را مورد بحث و بررسی قرار داده‌اند. (رک: ارسطو؛ ۱۳۶۶، ص ۱۷)

سقراط برای تبیین امور نظریه‌ی غائیت و علّت غایی را پیشنهاد کرد. افلاطون گفت: باتوسل به علّت غائی نمی‌توان عالم را تبیین کرد و لذا به علّت دیگری به نام علّت صوری (مثل) چنگ زد. (ژان وال؛ ۱۳۷۰، ص ۳۱۳-۳۱۴) ارسطو بیش از همه متفکران متقدم برخوردارش به بحث علیّت و مسائل مربوط به آن پرداخت در واقع در فلسفه ارسطو می‌توان نظریه منسجم و هماهنگی درباره‌ی علیّت مشاهده کرد نظریه علل در فلسفه ارسطو از آنجایی که ارتباط نزدیکی با کل فلسفه و منطق او دارد اهمیت فوق العاده‌ای می‌یابد. از نظر ارسطو فلسفه با پرسش از علّت شروع می‌شود و حکمت دانشی است درباره‌ی برخی مبادی و علّت‌ها (ارسطو؛ همان ؛ ص ۶) او نخستین بحث فلسفی را مسئله علیّت می‌داند و می‌گوید: شناخت حقیقت اشیاء زمانی دست می‌دهد که علّت آن‌ها را بشناسیم. (همان ؛ ص ۹) به اعتقاد او اختلاف فیلسوفان نخستین چون تالس، آناکسیمندر، آناکسیمنس، هراکلیتوس و... درباره‌ی ماده‌ی مواد عالم به بحث علّت مادی برمی‌گردد و علّت‌های دیگر به تدریج در فلسفه مطرح شد تا این که خود او به همه‌ی علل چهار گانه توجّه کرد و آنها را تبیین نمود. (همان ؛ ص ۱۱)

گسترده‌گی مباحث مطرح شده در فلسفه ارسطو در باب علیّت و نیز دقت نظر او در این مباحث باعث شد تا عمده‌ی فیلسوفان و اندیشمندان پس از او در بحث علیّت متأثر از او باشند و در چارچوبی که او این مباحث را مطرح کرده بود به نظریه پردازی بپردازند، البته در این میان جایگاه فلوطین و مکتب نو افلاطونی که او پایه‌گذارش بود حائز اهمیت است این اهمیت از آن جهت است که بحث علّت فاعلی هستی‌بخش و تبیین آن در یک نظام فلسفی مرهون نظریاتی است که او در آثار خویش مطرح کرد و توسط شارحان و پیروانش مورد تفسیر و شرح قرار گرفت.

در عالم اسلامی و میان اندیشمندان مسلمان مسئله علیّت سرگذشتی پرفراز و نشیب و بحث برانگیز داشته است. نحوه مواجهه متفکران مسلمان با مسئله علیّت یکسان نبوده است بلکه یکی از نقاط افتراق و تقابل آنها به شمار می‌آید در یک سو فیلسوفان مسلمان قرار دارند ایشان با همه اختلاف نظرهایی که دارند به مسئله علیّت بسیار اهمیت می‌دهند و آن را به عنوان یکی از مبانی اساسی نظام های فلسفی و تفکرات فلسفی خویش مدنظر قرار می‌دهند چنان که صدرالمتألهین شیرازی بحث و گفت‌وگوی (فلسفی) را مبتنی بر ثبوت و پذیرش اصل علیّت می‌داند به گونه‌ای که با رفع آن دیگر مجالی برای بحث و تفکر فلسفی باقی نمی‌ماند. (صدرالمتألهین شیرازی ۱؛ ۱۴۱۰؛ ج ۳، ص ۱۶۳)

اما در طرف دیگر همه متفکران غیر فیلسوف اعم از محدّثین، متکلمین، عرفاء و حتّی بعضی از اصولیین قرار می‌گیرند که همگی به نحوی مخالفت خود را با اصل علیّت ابراز داشته‌اند البته تقابل ایشان با فیلسوفان در بحث علیّت به یک شیوه نیست چرا که برخی مطلق علیّت را نفی کرده، برخی دیگر در مصادیق و محدوده‌ی مسئله علیّت با فیلسوفان اختلاف نظر دارند و عده‌ایی نیز فروع و لوازم اصل علیّت را مورد انتقاد قرار داده‌اند.

^۱ - در ادامه از صدرالمتألهین شیرازی به جهت اختصار با لقب مشهورش یعنی مَلّاصدرا یاد می‌کنیم.

۱-۱-۱- تعریف علّت

فیلسوفان مسلمان عموماً دو تعریف از علّت به دست داده‌اند که عبارتند از:

۱- علّت شی‌ای است که از وجودش، وجود شی دیگر (معلول) و از عدمش عدم آن شی (معلول) لازم

آید. (ملاصدرا، همان؛ ج ۲، ص ۱۲۷)

این تعریف در واقع تعریف خاص علّت است که مصداق آن علّت تامه است.

۲- علّت شی‌ای است که وجود شی دیگر (معلول) متوقف بر آن است به گونه‌ای که با عدم آن شی

(علّت) وجود شی دیگر (معلول) ممتنع می‌گردد اما با وجودش، وجود معلول ضرورت ندارد. (همان؛ ص

۱۲۷) این تعریف در حقیقت تعریف علّت ناقصه است و معمولاً در آثار فیلسوفان مسلمان هنگامی که لفظ

علّت بدون قید و به طور مطلق به کار برده می‌شود همین معنای دوم مد نظر آنها می‌باشد.

۱-۱-۲- اقسام علّت

فیلسوفان مسلمان برای علّت دسته بندی و تقسیم‌هایی انجام داده‌اند که به جهت اهمیت بحث و نیاز

به آنها در ادامه این تقسیم بندی ها به طور اجمال در این قسمت آورده می‌شود.

۱-۱-۲-۱- علّت تامه و علّت ناقصه

تعریف این دو در دو تعریف اولیه‌ای که از علّت ارائه شده، آمده است چنان که ذکر شد علّت تامه

مصداق تعریف اوّل و تعریف دوم نیز شامل علّت ناقصه می‌شود. (طباطبائی، سید محمد حسین، ۱۴۲۴،

ص ۲۰۴)

۱-۱-۲-۱- علّت واحد و علّت کثیر

گاهی علت پیدایش یک موجود (معلول) موجود معینی است به گونه‌ای که معلول مفروض جز از همان علت خاص به وجود نمی‌آید چنین علتی را علت واحد یا علت منحصره می‌نامند در مقابل علت کثیر یا علت جانشین پذیر به گونه‌ای است که معلول آن می‌تواند دارای علل مختلف و جانشین پذیری باشد و این امر (علل کثیر داشتن یک معلول) بدان سبب است که معلول از لوازم وجود علت است و لازم گاهی اوقات اعم از ملزوم است. (همان جا)

۱-۱-۲-۳- علت بسیط و علت مرکب

علت بسیط علتی است که دارای اجزء نباشد و علت مرکب برخلاف آن موجودی است مرکب از اجزاء. (همان جا)

۱-۱-۲-۴- علت قریب و علت بعید

علت قریب علتی است که میان او و معلولش واسطه‌ای درکار نیست (مانند واجب‌الوجود درمقایسه با صادر اول) درمقابل علت بعید علتی است که میان او و معلولش واسطه‌ای درکار است طبعاً این واسطه نمی‌تواند یک امر بی‌ارتباط با علت و معلول باشد بلکه بایستی خود معلول آن علت و علت آن معلول باشد و در چنین حالتی است که علت بعید معنا می‌یابد. (همان جا)

۱-۱-۲-۵- علت حقیقی و علت مُعد

علت حقیقی علتی است که وجود معلول متوقف بر آن می‌باشد و علت معد علتی است که معلول را به قبول اثر نزدیک می‌کند با اندکی تأمل روشن می‌گردد علت معد تنها درعالم مادیات قابل تصور است و شأن معد در این جا آن است که ماده را برای قبول فیض از فاعل آن آماده و مهیا می‌کند. مثال علت معد همانند گذشت قطعات زمان برای حدوث حادثی درعالم ماده می‌باشد. (همان ص ۲۰۵)

۱-۱-۲-۶- علل داخلی و علل خارجی

علل را در یک تقسیم بندی مهم دیگر به علل داخلی (علل قوام) و علل خارجی (علل وجود) تقسیم کرده‌اند توضیح آنکه چنان‌که ارسطو در متافیزیک متذکر شده‌است فیلسوفان پیش از او همگی کم و بیش به بحث علیّت توجّه داشته‌اند اما به زعم ارسطو نگاه ایشان به این بحث یک نگاه جامع و منسجم نمی‌باشد، از این رو او خود توجّهی خاص به بحث علیّت پیدا کرد و دیدگاهی کامل‌تر نسبت به متقدمان خویش در این باب ارائه کرد. با توجّه به این که از نظر ارسطو عدد علل برابر با عدد چیزهایی است که سؤال چرا به آنها برمی‌گردد. (ارسطو؛ ۱۳۶۶؛ ص ۱۵۰) و چون پرسش چرا چهارگونه مطرح می‌شود علل از نظر ارسطو چهارتاست که این چهار علّت عبارت است از علّت صوری، مادی، فاعلی، و غائی (همان؛ ص ۱۱ و ۱۲۹) فیلسوفان مسلمان که در تأثیر پذیری از فیلسوفان یونان بیش از همه از ارسطو و فلوطین تأثیر پذیرفته‌اند در بحث علیّت، علل چهارگانه‌ای را که ارسطو مطرح کرده بود، پذیرفته و البته با تغییراتی به عنوان یکی از مبانی مباحث فلسفی خود مطرح ساختند یکی از تغییرات مهم صورت گرفته در فلسفه اسلامی این بود که ایشان مقسم این علل چهار گانه را علّت ناقصه قرار دادند تغییر مهم دیگری که در این بحث توسط فیلسوفان مسلمان صورت گرفت ناشی از تمایزی بود که ایشان میان وجود و ماهیّت قائل گشتند تمایزی که با عنوان تمایز متافیزیکی یا فلسفی وجود و ماهیّت از آن نام برده می‌شود و تأثیرات شگرف و بنیادینی در فلسفه اسلامی از خود به جا گذاشت با در نظر گرفتن همین تمایز ابن‌سینا علل چهار گانه‌ی ارسطویی را به دو دسته‌ی دوتایی تقسیم کرد یک دسته که شامل علّت مادی و علّت صوری می‌شد و به علل داخلی یا علل قوام نامگذاری شد و دسته دیگر که شامل علّت فاعلی و علّت غائی می‌شد تحت عنوان علل خارجی یا علل وجود نامیده شدند. (ابن‌سینا؛ ۱۳۸۵؛ ص ۹ و ص ۲۵۷)

در توضیح چیستی این علل چهارگانه باید گفت اگر یک شی مادی را در نظر بگیریم این شی مرکب از دو عنصر است؛ ماده و صورت حال ماده که جنبه بالقوه بودن شی وابسته به آن است در مقایسه با شی مرکب علّت مادی محسوب می‌شود به همین طریق، صورت که فعلیّت شی به سبب آن است در مقایسه با

مرکب، علت صوری نامیده می‌شود و این دو باهم علل قوام شی نامیده می‌شوند اما فاعل و علت فاعلی آن چیزی است که معلول از آن صادر و حاصل می‌شود و علت‌گائی نیز چیزی است که معلول برای آن صادر می‌شود که به این دو نیز علل وجود می‌گویند. (طبا طبائی، سیدمحمدحسین؛ همان؛ ص ۲۰۵) باید توجه داشت که یک موجود مادی هر چهار قسم علل را داراست اما یک ممکن الوجود مجرد تنها دارای علت فاعلی و علت‌گائی است و چون دارای ماده نیست طبعاً علت مادی و علت صوری نیز نخواهد داشت.

۱-۲-۷- فاعل الهی (علت وجودبخش) و فاعل طبیعی (علت تحریکی)

یکی از تقسیمات اصلی و تأثیرگذار در فلسفه اسلامی درباره علت تقسیم علت فاعلی به الهی و طبیعی است این تفکیک میان فاعل الهی و فاعل طبیعی که حاکی از تأثیراندیشه‌های وحیانی در فلسفه‌های دینی است نتایج مهمی در این فلسفه‌ها به بار آورده است در فلسفه‌ی اسلامی به این تفکیک عنایت خاصی شده است به گونه‌ای که می‌توان آن را یکی از مبانی فلسفه‌ی اسلامی دانست مراد فیلسوفان مسلمان از فاعل الهی در این جا معطی و مبدأ وجود است مانند واجب‌الوجود درمقایسه با عالم هستی، درمقابل فاعل طبیعی چیزی است که اثر آن تحریک و تغییر است و لذا تنها در عالم مادی مصداق دارد. (ابن‌سینا؛ ۱۳۸۵، ص ۲۵۷) با این توضیح مشخص می‌گردد که "اگر مفهوم علیت را توسعه ندهیم و علت را به همان معنای وجود دهنده و واقعیت دهنده بگیریم تنها چیزی که شایسته است به او علت گفته شود همانا فاعل (الهی) است و معلول این علت هم همان چیزی است که آن را صورت می‌نامند" (مطهری؛ مرتضی، ۱۳۷۴، ج ۶، ص ۶۴۸)

۱-۲- طرح مسئله

اصل علیت که بر اساس آن شاهد یک رابطه و پیوستگی واقعی میان موجودات جهان هستیم دارای دو فرع مهم است: